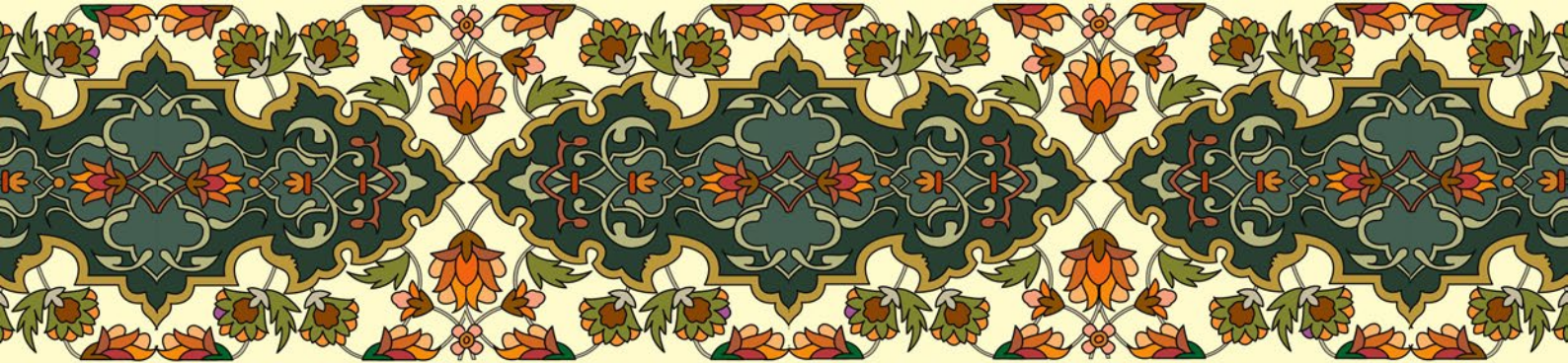




پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



شماره: ۱۰۶

عنوان: ساختار و شیوهی حکومت خلیفه‌ی خدا در زمین

نویسنده: فرهاد گلستان

تاریخ: ۱۳۹۹/۸/۱۷

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



در مقاله‌ی «آموزش دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام به صورت گام به گام»، نامشروع بودن حاکمیت‌هایی غیر حاکمیت خلیفه‌ی خدا بر زمین به لحاظ «مبنا» بررسی شد. در مقاله‌ی «حکومت دینی یا سکولار؟» نامشروع بودن حاکمیت‌هایی غیر حاکمیت خلیفه‌ی خدا بر زمین به لحاظ «عملکرد» بررسی گردید. در مقاله‌ی حاضر، شکل و مشخصات تنها حکومت مشروع روی زمین (حکومت خلیفه‌ی خدا مهدی علیه السلام) بررسی می‌گردد:

مقدمه

هدف خداوند از ارسال رُسل و خلفای خود، این است که مردم -با اطاعت کامل از آن‌ها- در میان خود عدل و قسط را اقامه کنند؛ چنانکه فرموده است: **﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾**^۱؛ «هرآینه فرستادگان خویش را با نشانه‌های روشن فرستادیم و به همراه آنان کتاب و میزان

نازل کردیم تا مردمان به عدالت برخیزند.» و فرموده: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»^۱؛ «و برای هر امتی رسولی است. پس هنگامی که رسولشان آمد، بینشان به قسط و عدل قضاوت خواهد شد و به ایشان ظلم نخواهد شد». بنابراین، تلاش مهدی به عنوان آخرین خلیفه‌ی خدا و وارث رُسل، اقامه‌ی عدل بر زمین خواهد بود.

عدالت، «قرار دادن هر چیز و هر کس در جای خود» است. از طرف دیگر، هر چیز و هر کس دارای ظرفیّت‌ها و استعدادهای منحصر به فرد است؛ به طوری که بالفعل شدن آن استعدادها و ظرفیّت‌های بالقوه به معنای تحقق عدالت دربارهی اوست. بنا بر این دو، کسی که قسمتی از نیازهای او تأمین نشود، قسمتی از استعدادهای او به فعلیّت نرسیده و از این نظر دچار «محرومیّت» شده و این به معنای عدم تحقق عدل است.^۲ خدا در موجودی که نیازمند خوراک است، استعداد خوردن قرار داده و اگر این استعداد به فعلیّت برسد (و وی به غذا دسترسی داشته باشد)، عدالت دربارهی او محقق شده و اگر نرسد (و وی به غذا دسترسی نداشته باشد)، عدالت دربارهی او محقق نشده و محروم مانده است.^۳ کسی که توانایی قرار گرفتن در منصبی خاص را داراست، ولی -به دلیل عدم تحقق عدالت- در آن منصب قرار ندارد، دچار «محرومیّت» است و همچنین کسی که توانایی قرار گرفتن در منصبی خاص را ندارد، ولی -به دلیل وجود تبعیض- در آن منصب قرار داده شده نیز دچار محرومیّت است؛ چرا که وی به دلیل نصب اشتباه، در مقامی که ذاتاً استعداد قرار گرفتن در آن را دارد

۱. یونس، ۴۷

۲. کتاب «هندسه‌ی عدالت، روایتی از یک گفت‌وگو با منصور هاشمی خراسانی»، صفحه‌ی ۲۴

۳. عدالت و حکمت خدا اقتضا می‌کند که برای هر نیازی که ایجاد می‌کند راهی برای برآورده شدن آن نیز قرار دهد، و هر استعدادی که می‌آفریند راهی برای به فعلیّت رسیدن آن نیز بیافریند؛ اما آیا زمین از جا، دارایی و امکانات کافی برای بهره‌مندی عادلانه‌ی اهل آن -به گونه‌ای که کسی دچار محرومیّت نشود تا تعرضش بر دیگری را موجه جلوه دهد- برخوردار است؟ حقّ این است که آری؛ چرا که خلق هر کس یا هر چیز مستلزم وجود لوازم مورد نیاز وی نیز است و تا این لوازم موجود نباشد، خلق وی ظلم بر وی تلقی می‌شود و خداوند بر بندگان ظالم نیست؛ چنانکه فرموده است: «وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ» (آل عمران، ۱۸۲)؛ «و هرآینه خداوند ظلم‌کننده به بندگان نیست». پس فراخنا و امکانات زمین به قدری است که کسی در آن و در یک نظام عادلانه، گرسنه یا بی‌سپناه و محروم نماند.

قرار نگرفته و بنابراین دچار محرومیت گردیده است. در پازل هستی، هر کس و هر چیز، جا و مکان مشخصی دارد؛ به طوری که قرار نگرفتن یک نفر در مکان خود، به معنای قرار گرفتنش در مکان فرد دیگر و قرار داده شدن فرد دیگر در مکان شخصی دیگر است و به این ترتیب نظم هستی سلسله‌وار دچار نقصان شده و این نقصان، به معنای حاکم شدن ظلم (در مقابل عدل) است.

با حاکم شدن مهدی بر زمین، هر کس و هر چیز به امر او و سلطه‌ی او در مکان و موقعیت خود قرار می‌گیرد و این معنای کلام زمینه‌ساز حکومت اوست که فرمود: «هرآینه مهدی هنگامی که بیاید هیچ کس را و انمی‌گذارد مگر اینکه او را به کاری که شایستگی‌اش را دارد می‌گمارد، پس گویا من مردی را می‌بینم که در خانه‌ی خود خوابیده است و نزد مردم جایگاهی ندارد و به او اعتنایی نمی‌کنند، پس کسی به نزد او می‌آید و به او می‌گوید: امام تو را فرا می‌خواند، پس مرد تعجب می‌کند و می‌گوید: شاید اشتباه گرفته‌ای! پس چون به نزد مهدی می‌آید به او می‌فرماید: تو را حاکم فلان سرزمین قرار دادم!»^۱ و فرمود: «گویا من چوپانی را در کوهی می‌بینم که گوسفندانش را می‌چراند، پس فرستاده‌ای به نزدش می‌آید و او را به نزد مهدی می‌خواند، پس چون به نزدش می‌آید، به او می‌فرماید: تو را امیر فلان قوم قرار دادم! پس آن جناب اندکی درنگ کرد و سپس فرمود: و گویا من امیر قومی را می‌بینم که بر تخت خود تکیه داده است، پس فرستاده‌ای به نزدش می‌آید و او را به نزد مهدی می‌خواند، پس چون به نزدش می‌آید به او می‌فرماید: گوسفندان فلان قوم را بچران!»^۲ و در تبیین بسط عدالت فرموده: «... عدالت مطلق را در پستوی خانه‌ها و آغل گوسفندانشان داخل خواهد نمود. ...»^۳

با این تعریف، در حکومت مهدی نیاز به خوراک، نیاز به لباس، نیاز به مسکن، نیاز به آموزش، نیاز به شغل، نیاز به همسر، نیاز به امنیت، نیاز به رفاه، نیاز به آرامش، نیاز به تفریح و تمام نیازهای واقعی انسان برآورده خواهد شد و فقر، تبعیض، فساد، بی‌عدالتی، بیکاری، جنگ و ناامنی برطرف خواهد شد؛ چرا که مهدی با اقامه‌ی کامل عدل بر زمین، همه‌ی استعدادها را شکوفا و همه‌ی ظرفیت‌های بالقوه را

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، گفتارها، کد ۱۲۷

۲. همان

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، گفتارها، کد ۱۱۳

بالفعل می کند و هر کس و هر چیز را سر جای خود قرار می دهد و این به معنای رفع کامل و مطلق محرومیت از انسان - بل همه ی مخلوقات - است؛ جز آن که خدا تلاش انسان را در گرو سعی او دانسته و فرموده: **﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾**^۱؛ «و این که برای انسان جز چیزی که سعی کرده است نیست.» و فرموده: **﴿كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ﴾**^۲؛ «هر کسی در گرو چیزی ست که کسب کرده است.» و او را مختار قرار داده و به کاری مجبور نساخته و فرموده: **﴿لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصِيطِرٍ﴾**^۳؛ «تو بر آنان سیطره ای نداری.» و فرموده: **﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾**^۴؛ «و هر مصیبتی که به شما می رسد به خاطر چیزی ست که دستانتان کسب کرده و از بسیاری چشم می پوشد.» و فرموده: **﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَيَّ رَبُّكُمْ تَرْجِعُونَ﴾**^۵؛ «هر کس کار خوبی کند برای خودش است و هر کس بد کند بر عهده ی خودش است، سپس به سوی پروردگارتان باز می گردید.»

ساختار حکومت، آزادی بیان، انتصابات، تحزب، حقوق زنان، آموزش و پرورش

- آن چه از مصرّحات شرع دانسته می شود این است که شکل حکومت مهدی، دموکراتیک، جمهوری و بر پایه ی رأی اکثریت نخواهد بود؛ چرا که اکثر مردم دوستدار فسادند؛ چنانکه خدا فرموده است: **﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ﴾**^۶؛ «بل انسان می خواهد که در تمام عمر گناه کند.» و با صراحت از گمراه شدن در پی اطاعت از نظر اکثریت خبر داده و فرموده است: **﴿وَإِنْ تَطِعْ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾**^۷؛ «و اگر از اکثر کسانی که در زمین هستند پیروی کنی تو را از راه خداوند گمراه می کنند.» این بدان معناست که حکومت بر مبنای رأی اکثریت مردم پذیرفته نیست؛ حتی در جوامعی که عقول مردم رشد یافته و موانع شناخت در بین آن ها رفع شده و حکومت شورایی برای آنان تجویز شده باشد نیز

۱. نجم، ۳۹

۲. طور، ۲۱

۳. غاشیة، ۲۲

۴. شوری، ۳۰

۵. جائیة، ۱۵

۶. قیامت، ۵

۷. أنعام، ۱۱۶

حکومت - بنا بر دقت نظر منصور هاشمی خراسانی - مبتنی بر رأی اکثریت نیست؛ چنانکه می‌فرماید: «انصافاً اداره‌ی امور جامعه بر پایه‌ی مشورت، لزوماً به معنای حکومت بر پایه‌ی رأی اکثریت مردم نیست؛ زیرا می‌تواند به معنای حکومت بر پایه‌ی معقول‌ترین رأی مردم باشد که با تضارب آراء آنان در مشورت کشف می‌شود و این مقتضای معیار بودن عقل برای شناخت است؛ با توجه به اینکه مبنا در همه‌ی کارهای عقلا، عقل است و حکومتِ آنان بر طبق رأی اکثریت مردم، هرگاه رأی اکثریت مردم مبتنی بر عقل باشد، حکومت بر مبنای عقل شمرده می‌شود نه بر مبنای رأی اکثریت مردم و هرگاه مبتنی بر عقل نباشد، حکومت بر طبق آن، کار عقلا نیست»^۱. ایشان در ادامه و برای تصریح در تعارضی که بین اسلام و جمهوریت وجود دارد، می‌فرماید: «از اینجا دانسته می‌شود که جمهوریت به معنای حکومت بر مبنای رأی اکثریت مردم، صرف نظر از آنکه رأی آنان معقول باشد یا نباشد، جایی در اسلام ندارد و با هیچ تقریری قابل قبول نیست، هر چند مشورت در آن با مردم، به منظور کشف معقول‌ترین رأی موجود، اشکالی ندارد و سودمند است و این صرف نظر از مبنای حکومت در اسلام است که با مبنای جمهوریت به معنای مذکور، سازگار نیست»^۲.

روی دیگر سکه‌ی حکومت در تجربه‌ی بشر، حکومت دیکتاتوری است^۳. حکومت مهدی دیکتاتوری نیز نخواهد بود؛ چرا که دیکتاتوری به معنای «حکومت فرد بر جامعه» با حکومت مهدی که «حکومت خدا بر جامعه» است قابل مقایسه نیست، اگرچه شباهت‌هایی در ظاهر داشته باشد؛ مانند این که یک نفر در رأس قدرت قرار دارد و قدرتِ حاکمیت زیر نظر یک نفر اداره می‌شود. اما تفاوت ماهوی بین حکومت فرد بر مردم و حکومت خدا بر مردم این است که در حکومت‌های دیکتاتوری (مانند حکومت ولایت مطلقه‌ی فقیه در ایران یا حکومت پادشاهی در عربستان) قوانین توسط فرد (یا گروهی) غیر معصوم

۱. کتاب «بازگشت به اسلام»، صفحه‌ی ۵۳

۲. همان، صفحه‌ی ۵۴

۳. حکومت در دسته‌بندی کلی از نظر شارع به دو دسته‌ی حکومت خدا و حکومت طاغوت تقسیم می‌شود که حکومت خدا، حکومت خلیفه‌ی اوست و حکومت طاغوت، حکومت غیر خلیفه‌ی اوست که می‌تواند انواع مختلفی (مانند دیکتاتوری، دموکراسی، ولایت مطلقه‌ی فقیه، خلیفه‌گری خودخوانده و ...) داشته باشد. برای توضیح بیشتر، مراجعه کنید به: کتاب «بازگشت به اسلام»، صفحه‌ی ۱۲۹.

وضع و توسط همو اجرا می‌گردد؛ در صورتی که در حکومت مهدی، قوانین توسط خدا وضع گردیده است و توسط حاکم معصوم اجرا می‌گردد. «عصمت حاکم»، تفاوت بنیادین بین حکومت‌های دیکتاتوری و حکومت اسلامی است که شباهت‌های ظاهری آن دو را می‌پوشاند.

با این وصف، تفاوت‌هایی دیگر بین حکومت مهدی و حکومت دیکتاتوری وجود دارد؛ مانند آن که مردم در حکومت مهدی از آزادی بیان برخوردارند و وی با آن‌ها -چنانکه حکومت‌های دیکتاتور برخورد می‌کنند- برخورد نمی‌کند و آن‌ها را بر خلاف حکومت‌هایی مانند ایران و عربستان، به صرف ابراز عقیده‌ی خود درباره‌ی مسائل مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... شکنجه و حبس نمی‌کند؛ بلکه وی با آموزش مردم، نگاه و عقیده‌ی آنان را اصلاح می‌کند، به طوری که در برابر کسانی که نظر مسموم و گمراه‌کننده دارند واکسینه می‌نماید. «آزادی بیان» مقدمه‌ی لازم برای اجرای دستور خدا مبنی بر شنیدن اقوال مختلف و تبعیت از بهترین آن است؛ چنانکه فرموده است: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ ۚ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ۗ﴾^۱؛ «پس بندگانم را بشارت ده؛ همانان که هر سخنی را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی‌اند که خداوند هدایتشان کرده و آنان همان خردمندانند»؛ در حالی که حاکمان دیکتاتور -که قادر به تعلیم مردم به حمایت از خود نیستند- دست به کار دیگری می‌زنند و آن جلوگیری از بیان نظرات مخالف است و اجازه‌ی بیان اقوال گوناگون را نمی‌دهند و تبعاً و طبعاً مردم نمی‌توانند بهترین را انتخاب کنند و این تمرّدی است آشکار از امر خداوند. دیگر تفاوت بین حکومت مهدی و حکومت‌های دیکتاتور، وجود و وجوب مشورت با مردم در حکومت مهدی و عدم آن در حکومت غیر مهدی است؛ چنانکه خدا خلیفه‌ی خود را به این کار امر کرده و فرموده است: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ ۚ﴾^۲؛ «و با آنان در کار مشورت کن». و بر او واجب است که از نظر بهتر مردم تبعیت کند، اگرچه بر خلاف نظر ابتدایی او باشد؛ چنانکه این موضوع به تفصیل و صراحت در پایگاه دفتر حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی آمده است: «بر امام مهدی علیه السّلام واجب است که زمینه‌ی مناسب برای مشورت با

۱. زمر، ۱۷ و ۱۸

۲. آل عمران، ۱۵۹

مردم را فراهم کند و فرصت لازم برای نصیحت را به آنان بدهد، ... همچنانکه به تبع آن بر او واجب است از نظر بهتر ارائه شده توسط مردم پیروی کند، اگرچه بر خلاف نظر ابتدایی او باشد؛ چراکه بدون این، مشورت با آنان کاری بیهوده است»^۱؛ در حالی که در حکومت‌های دیکتاتور، تصمیمات حکومتی توسط فرد یا گروهی که آن فرد در رأس آن قرار دارد اخذ می‌شود و امر خدا مبنی بر مشورت با مردم نادیده گرفته می‌شود.

بنابراین، حکومت مهدی شکل سومی از حکومت است که تاکنون جز به ندرت توسط بشر تجربه نشده و وی درک تجربی چندانی از آن ندارد. این شکل از حکومت نه با دموکراسی قابل جمع یا قیاس است و نه با دیکتاتوری.

- حاکمان، قاضیان و امیران شهرهای مختلف توسط مهدی و منطبق با چهار صفتی که ویژه‌ی اوست^۲ برگزیده و نصب خواهند شد و این انتصابات مبتنی بر رأی‌گیری مردمی نخواهد بود؛ چنانکه در پایگاه دفتر حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی آمده است: «حاکمان و قاضیان در حکومت امام مهدی علیه السلام، توسط آن حضرت منصوب می‌شوند؛ زیرا حکومت و قضاوت بدون اذن خداوند یا خلیفه‌ی او در زمین مشروعیت ندارد، ولی ممکن است امام مهدی علیه السلام پیش از نصب آنان با همه یا برخی از مردم مشورت کند. قدر متیقن این است که مبنای نصب آنان، خویشاوندی آنان با آن حضرت یا رأی اکثریت مردم نیست، بلکه اصلح بودن آنان به معنای بیشتر بودن تخصص و تعهدشان در مقایسه با دیگران است، اگرچه در نظر مردم حقیر باشند»^۳. از طرفی ملاک این انتصابات، «علم» و «تقوا»ی افراد است؛ خواه مرد باشد، خواه زن؛ خواه سفید باشد، خواه سیاه^۴.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، کد ۲۷۱

۲. این چهار صفت، علم به هر چیز و هر کس، علم به جای هر چیز و هر کس، توانایی نصب هر چیز و هر کس در جای خود، و عصمت از بروز خطا در این انتصابات است. کتاب «هندسه‌ی عدالت، روایتی از یک گفت‌وگو با منصور هاشمی خراسانی»، صفحه‌ی ۳۲.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، کد ۲۷۱

۴. به موضوع لزوم انتصاب افراد در مناصب مختلف بر اساس شناختِ نهان آن‌ها در مقاله‌ی «حکومت دینی یا سکولار؟» به تفصیل پرداخته شده است.

- تحزب برای در دست گرفتن حاکمیت در حکومت مهدی بی‌معناست؛ چرا که حاکم در حکومت اسلامی توسط شارع برگزیده و نصب می‌شود و مردم و احزاب در انتخاب آن نقشی ندارند، ولی ممکن است که احزابی برای نشان دادن توانایی خود در اداره‌ی برخی مناصب شکل گیرند که بلامانع است، هر چند خداوند نسبت به کسانی که به دنبال برتری جویی و قدرت‌طلبی اند نظر مساعدی ندارد و درباره‌شان فرموده است: **﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾**؛ «آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که برتری در زمین یا فساد نمی‌جویند و عاقبت برای پرهیزکاران است».

- زنان در حکومت مهدی می‌توانند به مشاغل و مناصبی که در آن بر مردان برتری دارند، دست یابند، اما تأمین نیازهای معیشتی آنان در جامعه‌ی اسلامی بر عهده‌ی مردانشان است؛ چنانکه خدا درباره‌شان فرموده است: **﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾**؛ «مردان سرپرست زنان اند، به سبب فضیلتی که خداوند برخی از آنان را بر برخی دیگر داده است.» و این کاستن از ارزش آنان نیست، بل سلب زحمتی از آنهاست که در آن، توان مسابقه‌ی برابر با مردان را ندارند، و این به دلیل نابرابری برخی توانایی‌هایشان با مردان است؛ همچنان که خداوند فرموده است: **﴿وَالرِّجَالُ عَلَىٰ نِسَائِهِمْ دَرَجَةٌ﴾**؛ «و مردان بر آنان (از لحاظ عقلی و جسمی) برتری دارند». پس در جامعه‌ی اسلامی، زنان وظیفه‌ای برای تأمین نیازهای زندگی خود و فرزندان‌شان ندارند. باری؛ اگر زنانی فاقد مردانی باشند (یا مردانشان توانایی سرپرستی آنان را نداشته باشند)، باز هم -به دلیل اطلاق سخن خداوند- زنان وظیفه‌ای برای تأمین نیازهای زندگی خود و فرزندان‌شان ندارند و باید مردانی از حکومت آنان را سرپرستی کنند؛ به این معنا که سرپرستی آنان در این صورت بر عهده‌ی حاکم اسلامی خواهد بود. بنابراین، زن سرپرست خانوار در حکومت مهدی وجود نخواهد داشت و سرپرستی چنین زنی

۱. قصص، ۸۳

۲. نساء، ۳۴

۳. بقره، ۲۲۸

با مهدی‌ست. علّت کمتر بودن برخی استحقاقات زنان در مقابل مردان در اسلام مانند ارث، دیه و ... از این جا مشخص می‌شود و فساد ناشی از اقامه‌ی بخشی از دین مانند تقسیم نابرابر ارث، دیه و ... و عدم اقامه‌ی بخشی دیگر از دین (یعنی عدم تکلیف زنان بر سرپرستی خود) که در حکومت‌های به ظاهر اسلامی مانند ایران منجر به ظلمی مضاعف به زنان شده است، از این جا دانسته می‌شود؛ چنانکه در پایگاه دفتر حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی آمده است: «آیات و روایاتی که دیه‌ی زن را نصف دیه‌ی مرد می‌دانند مطلقند و شامل زن سرپرست خانوار هم می‌شوند و این از آن جهت است که وجود چنین زنی در حکومت اسلامی قابل قبول نیست و پیشبینی نشده است؛ چراکه در حکومت اسلامی، یا زمینه برای ازدواج او فراهم می‌شود و یا هزینه‌ی زندگی‌اش از بیت المال پرداخت می‌شود و با این وصف، زن سرپرست خانوار وجود نخواهد داشت تا دیه‌اش با دیه‌ی مرد برابر باشد و این از باب سالبه‌ی به انتفاء موضوع است. آری، زن سرپرست خانوار در حکومت طاغوت وجود دارد، ولی اسلام حکمی را برای اجرا در حکومت طاغوت وضع نکرده؛ چراکه این به رسمیت شناختن حکومت طاغوت است و با این وصف، راه حلّ مشکل تغییر احکام خداوند برای سازگار شدن با حکومت طاغوت نیست، بلکه تغییر حکومت طاغوت برای سازگار شدن با احکام خداوند است»^۱.

- مهم‌ترین کار در حکومت مهدی، «آموزش و پرورش» است؛ چرا که استمرار حاکمیت وی منوط به استمرار حمایت مردم از حاکمیت وی و استمرار حمایت مردم از حاکمیت وی منوط به تعلیم و تربیت آنان برای حمایت از وی است. از طرفی، مهدی به موازات گسترش حاکمیت خود بر زمین، به امیران، حاکمان، قاضیان و کارگزاران جدید برای نصب بر مناطق جدید نیاز دارد و وی به دلیل طهارتش از هر گونه رجس و ناپاکی، تربیت‌نیافتگان و آموزش‌نابدیدگان را امیر و حاکم و قاضی و کارگزار نخواهد ساخت. لزوم آموزش و پرورش در حکومت مهدی از این جا دانسته می‌شود.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، کد ۴۱۶

چه بسا بزرگ‌ترین معجزه‌ای که بشر در طول حیات خود با آن مواجه خواهد شد، معجزه‌ی «تحقق عدالت مطلق جهانی» باشد که به دست مهدی و در دوران حکومت محدود او بر زمینی محقق خواهد شد که ظلم در آن در طول هزاران سال و توسط حاکمان و مردمان مختلف و به پشتوانه‌ی نقشه‌ها و حمایت‌های گسترده‌ی شیطان محقق شده است. این معجزه‌ای است که هر کس باید مشتاق دیدار آن باشد و دیدار آن مستلزم تحقق آن است و تحقق آن مستلزم شروع آن و شروع آن مستلزم ایجاد زمینه‌ی شروع، و آن نیاز به «اجتماع شماری کافی از مردم برای حمایت از مهدی» دارد. بعد از حاکم شدن اوست که توانایی او در همراه کردن مردم با خود از یک طرف، و نصرت‌های الهی از طرف دیگر، این معجزه‌ی بزرگ را به انجام خواهد رساند ان شاء الله.

دیدگاه‌های دیگر از این نویسنده:

۱. مقاله‌ی «آموزش دعوت به زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام به صورت گام به گام»
۲. مقاله‌ی «حکومت دینی یا سکولار؟»



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب به‌اشعری خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.